

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

شباهنگ راد

۲۳ مارچ ۲۰۱۲

## در یادمان جانبختگان چهارم فروردین [حمل] شصت

سؤال این است که گرامی‌داشت مناسبت‌ها و روزهای تاریخی را می‌بایست به‌مانند مناسک مذهبی همچون "تعزیه گردانی" و "نوحه خوانی" به حساب آورد؟ آیا تجلیل از جانبختگان راه رهایی به‌معنای میراث‌خواری و تخریب افکار تحول‌گرای آنان به حساب می‌آید؟ آیا هیچ‌گونه فرقی نیست مابین مدعیان دروغین و تجلیل‌کنندگان راه کمونیست‌های راستین؟

شکی در آن نیست که هر جامعه و نسلی نیاز به آشنائی کارکردهای کمونیست‌ها و انقلابیون، علیه نظام‌های سراسر ظلم و استثمار دارد؛ لازم است تا بدانند که گذشتگان به‌منظور رهایی نسل‌های آتی از زیر قید و بند‌های اسارت‌بار، چه ثمره‌ای از خود بر جای گذاشتند و تا چه اندازه در جهت رفع نابسامانی‌های دست‌ساز سرمایه‌داران جانی، تلاش نمودند. به بیانی دیگر ایراد کار نه در یادآوری مناسبت‌ها و بازگویی روزها و جنگ‌های نابرابر کمونیست‌ها و مبارزان با حاکمان ظالم بلکه در تحریف موقعیت فعلی و وصل کارکرد امروزی خودی با راه آنان است؛ ایراد اساسی در آن است که سازمان‌ها و عناصر، حاضر به توضیح بی‌عملی و روشن نمودن جایگاه نظری خودی نیستند و ، در مقام ادامه دهندگان راه جانبختگان، قلم می‌چرخانند و به تحریف حقایق می‌پردازند. واقعیت این است که همه - علی‌رغم نگاه‌های متفاوت نسبت به روزها و مناسبت‌ها -، فاقد پتانسیل لازمه به‌منظور تأثیرگذاری بر روی جنبش‌های اعتراضی کارگری - توده‌ئی، و همچنین تعرض به ارگان‌های سرکوبگر نظام‌اند. تخلیه‌های درونی را می‌توان در کارکردهای امروزی و انتخاب درازمدت جایگاه فعالیت، به‌عیان مشاهده نمود

این آن ایراد اساسی است که بر شانه‌های همه سنگینی می‌کند و مسلم است که طرح چنین واقعیات روشن و ملموسی، به صراحت بیان و جسارت کمونیستی نیاز دارد؛ نیاز به آن دارد تا فارغ از منفعت‌طلبی‌های شخصی - سازمانی، بر این فاصله‌ها و گسست‌های عملی - جغرافیائی تأکید ورزید و از اعلان علنی ناثمری فعالیت‌های خودی، ترس و واهمه‌ای نداشت. چرا که آن مناسبت‌ها و روزهای تاریخی، حاصل جان‌فشانی‌های فرزندان کارگران و زحمت‌کشانی است که در بدترین شرایط ممکنه و به دور از ترس و تسلیم‌طلبی و عقب‌نشینی، سیاست به پیش را

انتخاب نمودند تا توده‌ها را به قدرت واقعی خویش واقف سازند؛ آن روزها نمایانگر ایستادگی و مقاومت کمونیست‌ها و مبارزان در مقابل ارگان‌های سرکوبگر رژیم‌های وابسته به امپریالیسم و سرمایه است.

تفاوت بسیار عظیمی است مابین کمونیست‌ عمل‌گرا و کمونیست‌ تفسیرگر. یکی پای‌بند به انقلاب و برای به سر انجام رساندن آن، آماده است و دیگری در صدد است تا با ترکیب کلمات و تشریح کاغذی دردهای روزانه کارگران و زحمت‌کشان، کار "انقلاب" را به پیش ببرد؛ یکی در میدان حضور می‌یابد و همگام با جنبش‌های اعتراضی در صدد نقش‌آفرینی است و دیگری مقصودش، هدایت مبارزات کارگری – توده‌نی، از راه دور است. پر واضح است که ماهیتاً این دو ایده در مقابل هم‌اند و پر واضح است که روزها و مناسبت‌هایی در تاریخ به ثبت خواهد رسید که حاوی جسارت، شجاعت و پایداری عملی کمونیست‌ها به منافع توده‌های ستمدیده می‌باشد.

به جرأت می‌توان گفت که یکی از این روزها، به چهارم فروردین سال شصت بر می‌گردد. روزی که رژیم جمهوری اسلامی در تداوم سیاست‌های سرکوب‌گرانه‌اش به کمونیست‌ها و توده‌های ستمدیده، مرتکب جنایت دیگری گردید و با گسیل بیش از سیصد نیروی مسلح، جان پنج چریک فدائی خلق رفقاء محمد حرمتی‌پور، اسد رفیعیان، عبدالرسول عابدی، جواد رجبی و حسن عطاریان را در جنگل‌های مازندران گرفت. رفقائی که به‌همراه دیگر یاران‌شان جنگ انقلابی را به‌مدت چهارده ماه در جنگل‌های مازندران سازمان دادند و در تخالف با جو حاکم بر سازمان‌های کمونیستی، در میدان اصلی مبارزه باقی ماندند و ترس و عقب‌نشینی و مرگ را به سخره گرفتند.

در سیمین سال‌گرد جانباختن این رفقاء و فارغ از برداشتها و ایرادات به کارکردهای‌شان، جای دارد تا بر این نکته تأکید گردد که این رفقاء هر آنچه را که باور داشتند در عمل به کار بستند و از جان خود هم مایه گذاشتند. این تفاوت‌ها قابل کتمان نیست و به همان میزانی که می‌باید چنین واقعیتی را اعلام نمود، به‌همان میزان هم لازم است تا در حد توان خود از بازگویی و تجلیل چنین مناسبت‌ها و روزهایی سر باز نزد. چرا که این روزها و مناسبت‌ها حاوی مقاومت کمونیست‌ها و انقلابیون، و حاوی دستاوردهای مبارزاتی است و همچنین نسل کنونی و آتی باید بدانند که خودکامان و رژیم سرکوبگری همچون رژیم جمهوری اسلامی، چه بر سر جامعه و مدافعان راه رهایی و آزادی آورده است؛ باید بدانند که در کنار عقب‌نشینی سازمان‌ها و جریانات، بعضاً سازمان‌ها و جریاناتی بودند که سیاست عقب‌گرد را انتخاب نمودند و سینه دشمنان طبقاتی کارگران و زحمت‌کشان را نشانه گرفتند. بر این مبنا به‌جا و ضروری است تا در هر دوره‌ای حافظه تاریخی را تازه و زنده نگه داشت و اجازه نداد تا در خاک‌روبه‌های سرمایه‌داران زانو صفت و حامیان‌شان به فراموشی سپرده و وارونه جلوه داده شود. به این دلیل روشن که همه این‌ها از زمره سرمایه‌های انقلاب‌اند و به‌همین دلیل، وظیفه هر فرد و یا سازمان کمونیستی است تا به سهم خود از یکسو معرف واقعی جانباختگان راه رهایی باشد و از دگرسو، موقعیت فعلی خود را، منطبق و تکامل راه آنان قلمداد نماید.

مسلماً حمل چنین تفکری از زمره بدیهیات فعالیت‌های کمونیستی به حساب آمده و به تبع آن باید واقف بود که انتخاب جایگاه‌های فعالیت، نقش بس عظیمی در تعیین وظایف مبارزاتی دارد؛ باید آگاه بود که سازمان‌دادن انقلاب از راه دور ناممکن می‌باشد و راه‌اندازی و به سرانجام رساندن آن، مستلزم حضور و سازماندهی اعتراضات کارگری – توده‌نی و مقابله عملی با ارگان‌های حافظ بقای سلطه امپریالیستی است. امر مهمی که دهه‌هاست جامعه ایران شاهد آن نمی‌باشد و رژیم جمهوری اسلامی هم به دلیل چنین نقصان‌های عظیمی، به جان و مال میلیون‌ها انسان محروم یورش می‌آورد.

در یک کلام کمونیست‌ها برای ناامن نمودن منفعت سرمایه‌داران و رژیم‌های وابسته‌ای همچون رژیم جمهوری اسلامی زاده شده‌اند. راه و سیاستی که جانباختگان چهارم فروردین ماه‌ها در مقابل خود قرار دادند و بی‌دلیل هم نبوده و نیست که رژیم جمهوری اسلامی در وصف "جنگل" و "جنگلی" بیان نوشت و فیلم ساخت تا به قول خویش چهره کمونیست‌های راستین و رزمندگان راه رهائی را در اذهان عمومی وارونه جلوه دهد. یاد این رفقاء و همه پایداران راه رهائی کارگران و زحمت‌کشان گرامی باد!

۲۲ مارچ ۲۰۱۲

۳ فروردین [حمل] ۱۳۹۱